

متن بازجویی (۳۰/۳/۱۹) از مرحوم نواب صفوی

شیر و خورشید

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

بتاریخ ۳۰/۳/۱۹ در اداره آگاهی حضور بهمرسانیده، و آقای صفوی را در اطاق آگاهی خواسته او را آوردند و به ایشان تذکر داده میشود که شرحی به آقای دادستان نوشته و تقاضای ملاقات برای بیان مطالبی نموده بودید، اینک که اینجانب با نماینده دادسرای تهران به آگاهی آمدم، هر مطلب و تقاضائی دارید بیان نمائید.

ج - بسم الله الرحمن الرحيم. من در مرحله اول میخواستم شما را نصیحت کنم و وسیله شما آقای دادستان را نصیحت کنم که فراموش نکند بنده خدا و پوشیده به نعمت های بی پایان خدا بوده، هر نعمتی و هر لطفی که بشما میرسد آثار مهر بی پایان خدا بر شماست. انصتاف نباشد که کسی و سخن بیجای کسی را بر خدای مهربان خود و دستورات متین و نورانی او ترجیح دهید، و برخلاف عاطفه است که بسوی غیر او سیر کنید و خاطر خود را با هوس های دنیا بیامیزید، و از ذکر او خالی کنید. مضافاً بر اینکه قدرت او فوق هر قدرتی بوده، ما و شما و تمام افراد بشر محکوم به مرگ محتوم بوده و به چشم خویش می بینیم که گذشتگان بشر هیچیک از خوب و بد و مطیع خدا یا عاصی و سرکش از فرمان او از حکومت قهار او بیرون نرفته، بفرمان مبارکش مردند و در زیر خروارها خاک خفتند و هر چه کردند در پرونده عمرشان مضبوط گردیده در دادگاه الهی برای روز محاکمه و دادخواهی خدای قهار به امانت سپرده شد بترسید از آن

<http://www.chebayadkard.com>

دادگاهی که حکومت‌ها و دادستان‌های دنیا بحکمش مردند و با خاک یکسان شده به فرمانش در آنجا برای بزرگترین و بزرگترین عذاب بی‌پایان یا بزرگترین نعیم و آسایش ابدی حاضر می‌شوند.

عزیز من بحکم عاطفه و وفاء یا بحکم احتیاط از بزرگترین عذاب با اعلام خطرهای شدید انبیاء از سوی خدای قهار و از دخالت هر عرض سوء خصوصی در انجام وظائف اجتماعی خویش پرهیزید، و از دائره اطاعت خدای عزیز و اسلام و انسانیت پای خویش بیرون نگذارید، و عاطفه و انسانیت و آبرو و آخرت خویش را به شهوات دیگران بطمع خیالی و پوچ نفروشید، و گرچه دادستان حکومت غیرقانونی موقت مشتی افراد عاجز بشر باشید، جهان را بنگرید، آیات و نشانه‌های خدا را خوب به بینید، وعده‌های انبیاء بزرگ خدا و وعیده‌های آنها را که از اعماق دل عالم طنین انداز بوده، باطن فضای جهان را مرتعش نموده بگوش دل بشنوید، و از حق سر می‌پسجید که عاقبتی سهمگین در پیش است. امید است پاسخ ندای باطن را بخوبی بدهید و در پاسخ شهوات هوسرatan و شیطان نفس لعنت فرستید، و از خط سیر مقصود آفرینش انسان و انسانیت و اسلام پای خویش قدمی بیرون ننهید.

<http://www.chebayadkard.com>

۲ — برادران زندانی من نمایندگان افکار عمومی ملت مسلمان ایران بوده، در حقیقت حاصل آرزوهای عمومی ملت مسلمان ایران و زبان دل ملت مسلمان ایرانند، و بزندان ظلم انداختن آنها با بهانه‌های پوچ و بی‌اساس که میدانم از کجاست، اسیر کردن ملت مسلمان ایران و بستن دست و پا و زبان ملت مسلمان ایران است. من و برادرانم پیشنهاد کردند و کردم که ای افراد شریف بشر اینک که ما را اسیر کردید، در یک‌جا و پهلوی هم قرار بدهید، و نماینده آن مقام عالی (بقول خودشان آقای سید احمد موثقی) که پیش من آمد و گفت از یک مقام عالی آمده پیامی دارم بمن قول داد که برادرانم را پیش من آورند، یا من به آنها ملحق شوم. در عوض دیروز خیر شدم که برادران محترم من، پاک‌ترین فرزندان دانشمند اسلام و ایران را به زندان قصر برده‌اند زهی دوری از انسانیت، اگر ما در سنگرهای کفار حریبی اسیر می‌بودیم به این سخن صحیح ما لا اقل بنابر اصول انسانیت ترتیب اثر داده و اینطور که شما کردید نمی‌کردند، آخر ای انسانهای شریف شما چگونه اثری از انسانیت دارید که ابدأ اعتنائی به عواطف پاک‌ترین مسلمانان محترم و ملت حقیقی مسلمان ایران ننموده به عواطف آنها ضربه شمشیر غرض می‌زنید. مگر چه می‌شد که اسراء اسلام و ایران را در یک — جا — به

اینک بنابر اصول آدمیت و انسانیت و اسلام چنانچه انشاء الله مسلمان هستید برادران مرا در ظرف امروز بمن ملحق تا با هم در یکجا به اسارت زندان ظلم حکومت غیرقانونی به پاداش تصیحت و پاکی و ایمان بسر بریم تا خدای قادر متعال چه خواهد، و حس هوسرانی هوسرانان چه اقتضا کند، و تأخیر در این وظیفه انسانیت هر ساعتی دلیل بیشتری بر فقدان اصول انسانیت شما خواهد بود، و هیچ عمل بد و نیکی در صفحه تقدیر خدای قهار بدون اثر و نتیجه و عکس العملی نیست.

۳ - شما در عین اینکه در حکومت غیرقانونی قرار دارید بنابر هر اصلی مکلف هستید که مسبین و محرکین جنایاتی را که به برادران عزیز ما نمایندگان افکار پاک ملت مسلمان ایران شده شدیداً تعقیب نموده، در هر رتبه و مقامی اعم از نمایندگی مجلس تا وزارت و هر پایه ای نکه زده اند از آنها سلب مصونیت نموده تعقیبشان کنید و فراموش نکنید که خوب پیداست و هر کس بشری دور از ایران و محیط ایران را هم اگر برای قضاوت این امر بیاورید می فهمد و روشن می بیند که جریان امر این برادران گرام منوط به یک افراض پست قطعی بوده، بلکه مردمان اروپا و امریکا و مسالک اسلامی هم این حقیقت را درک کرده اند و فهمیده اند که از کجا و به چه دلیل و به تحریک چه شهوترانانی به ملت مسلمان ایران و نمایندگان آرزوها و افکار پاکشان بدین پایه فشار و جنایت وارد گردیده است. موارد اتهامات و بهانه هائی که به استناد آنها برادران ما در زندان و اسارت بسر می برند بسیار مایه شگفت هر عاقل است که یک ملتی یک دل و یک زبان از چنگال فردی بستوه آمده ندای خود را در این باره به دنیا رسانیده اند و آن فرد را به سزای خویش رسانیده اند و آقایان و کلاء اقلیت دیروز و جبهه ملی و نخست وزیر کنونی فتوای صریح نابودی فرد مذکور را صادر نموده، سپس هم صریحاً در مجلس و روزنامه های خود آن را مربوط به افکار عمومی ملت دانسته اظهار رضایت و خوشنودی نموده اند، و روزنامه های ایران عموماً بخصوص روزنامه های وابسته به جبهه ملی فریادهای رضایت خود را مضافاً بر فتوای صریح خود به دنیا رسانیده اند و همه امضاء نموده و شخص مباشر آن وظیفه را دستگیر و به زندان انداخته اند. اینک بنام شرکت با مباشر مذکور، یا تحریک و برادری با او، نمایندگان افکار عمومی مسلمانان، و در حقیقت ملت مسلمان ایران را بدین وضع ناهنجار اسیر نموده اند، در حالیکه دستگیری شخص مباشر این عمل هم با رعایت مراتب مذکور غلط است، زیرا دستگیری او و یا تعقیب وی تعقیب و دستگیری آمال و افکار عمومی مردم است تا چه رسد که بنام

برادری یا شناسائی یا شرکت با وی محترمین ملت مسلمان را به این شدت تعقیب و بازداشت نمایند، شما ندانستید که اگر بفرض صحیح بودن تعقیب مباشر عمل که بدو دستگیر گردیده بود دستگیری و تعقیب ملت مسلمان ایران هم را صحیح باشد بایستی کسانی را تعقیب و دستگیر نموده به زندان اندازید که در مجلس صریحاً گفته و بیاناتشان موجود است، گفتند اگر رزم آراء به مجلس بیاید کشته می شود، و او همان نخست وزیر کنونی و جبهه ملی و اقلیت دیروز و هیئت حاکمه امروز هستند، شگفتا، عجبا در حکومت نظامی غیرقانونی که خود هیئت حاکمه کنونی و سلف آن را غیرقانونی، لغو شمردند و غیرقانونی بودن آن را اعلام کردند، برادران ما را اسیر نموده و در محاکمه غلطی هم که انجام شد پس از جریان محاکمه بیجا، حکم حاضر و آماده ای را از کشوی میز درآوردند بنظر برادران ما رساندند که خوب معلوم بود حکم خصوصی و اغراض شخصی است، و حقه بازی بسیار خوب، مضافاً بر این هر چیزی که غیرقانونی شناخته شد و لغو بودن آن علناً و سبیه مجلس هیئت حاکمه اعلام گردید، عمل آن هم از حکم و محاکمه و بازداشت و پرونده سازی و محکومیت غیرقانونی خواهد بود، معقول نیست که در دنیا کسی بگوید پایه فلان چیز و اصل آن غلط بوده، و فرع و شاخه ای که بر آن متفرع است و هستی و وجودش به آن پایه بستگی دارد صحیح است، اضافه بر این پس از حکومت نظامی، آن قرار ضمانت سنگین بی جای دستوری را پیش کشیدند، و پس از سپرده شدن [کذا] ضمانت و کفالت و تمامیت جریان کار ضمانت برادران به بهانه تعطیل آگاهی، صدور حکم آزادی برادران ما را به فردا موکول نموده، فردا معلوم شد در وقت تعطیل، حکم زندانی غیرقانونی دستوری درست کرده اند. چگونه ممکن است که اجراء حکم آزادی در وقت تعطیل ممکن نشود، لکن حکم غیرقانونی دستوری را در وقت تعطیل صادر کنند، زهی انحراف!! زهی ظلم و جنایت!! زهی غرض ورزی!! زهی جنایت به یک ملت!!].

من چه گویم که مطلب پیش هر کس روشن است، من بیاری خدا بنام اسلام و ملت مسلمان ایران و بنام انسانیت بتومی گویم که بایستی سریعاً نمایندگان افکار پاک ملت مسلمان ایران، برادران محترم مرا از زندان اسارت آزاد نموده مسبب این جنایات را در هر لباس و هر مقامی که هستند تعقیب نموده، سلب مصونیت از آنان کنی و به دنیا حقیقت امر آنان را نشان دهی، والا صرفنظر از اینکه سکوت در برابر این جنایات اثرش

بغض و بدبینی عمومی است، بیاری خدا دنیا را برای نظارت در این امر ملت مسلمان ایران دعوت می کند، و صرف نظر تعقیب آنان، شما هم که بوظیفه خود عمل نموده در برابر این جنایات فبیح سکوت کرده، همکاری عملی نموده اید تعقیب خواهم [کرد] و کوچکترین سرانجامش رسوائی شما خواهد بود.

۴ — ملاقات مخبرین جرائد داخلی و مخبرین خارجی را با من آزاد بگذارید، و این حق مسلم را از بشر زنده دنیای غرب و شرق سلب نکنید، زیرا حق ندارید.

۵ — مردم اگر خواستند با من ملاقات کنند آزاد بگذارید، و سلب حقوق اجتماعی ملت مسلمان ایران را بنحیث ننمائید.

۶ — پایه قانون اساسی، بطور صریح هر قانون و هر مجلس و هر حکومت و فرماندهی [را] که برخلاف قانون اسلام باشد غیرقانونی و لغومی داند، بنابراین تا هیئت حاکمه ایران بتمام معنی و عملاً مسلمان نشده تمام دستورات اسلام را عمل ننماید، و سراسر احکام اسلام را در ایران طبق مذهب جعفری اجراء ننماید قانونی و رسمی نبوده لغواست، و حق هیچگونه دخالتی در امور ملت مسلمان ایران نداشته و ندارد.

۷ — افکار عمومی و اکثریت قطعی مردم ایران مسلمان و شیعه متعصب بوده، آخرین آرزویشان اجراء احکام اسلام بوده و می باشد و با هر حکومتی که احکام اسلام را طبق مذهب مقدس جعفری اجراء ننماید شدیداً مخالف بوده و خواهند بود، و حکومتی که بر طبق آرزوهای عمومی نباشد ملی و رسمی و قانونی نمی باشد، و حق هیچ گونه مداخله ای در امور ملت مسلمان ایران ندارد.

۸ — اینکه بشما نوشتم که مسئول هستید شخصاً خود را بمن برسانید، دلیل این مسئولیت این بود که مسئول خصوصاً مسئول جنایات جاریه حکومت غیرقانونی نسبت به برادران مسلمان من و نمایندگان افکار عمومی ملت مسلمان ایران هستید.

۹ — بیاری خدا افکار عمومی و اکثریت ملت مسلمان ایران تنها همراه و طرفدار جدی برادران ما و ما بوده، و تنها برادران ما نمایندگان حقیقی افکار عمومی و اکثریت ملت مسلمان ایران هستند، و چنانچه در فضای آزاد و محیط بی سرنیزه آمار حقیقی افکار عمومی تحصیل گردد معلوم می شود که جداً اینطور است که می گویم، مضافاً بر اینکه این مطلب به دلائل خود در حال حاضر هم معلوم است، و در موقع مقتضی دنیا را برای نظارت در افکار عمومی ایران و تحقیق حقایق مذکور دعوت نموده، پس از یک محاکمه ملی اسلامی تکلیف حکومت منحرف از قانون و انسانیت و انانیت و جنایتکارانی که

تا بدین پایه بما و برادران ما و ملت مسلمان ایران جنایت کرده اند معلوم می کنیم.

۱۰ — خاتمتاً ای برادر مسلمان من! موقف خویش را حفظ کنید، و از خط سیر

نورانی اسلام و انسانیت و حق بیرون نروید، و در ظرف امروز، برادران مرا با من در یکجا قرار داده و بمن ملحقشان کنید تا در یکجا اسیر باشیم، و ملاقات مردم مسلمان و مخبرین خارجی را با من آزاد گذارید تا حقوق اسلام و ملت مسلمان ایران پایمال شهوات هوسرانان محدود نگردد، و از مسببین جنایات مذکور سلب مصونیت نموده، در هر مقام و لباسی هستند سریعاً تعقیبشان کنید، و وسائل ارتباط من و برادران عزیز من و ملت مسلمان ایران را با دنیا قطع نکنید تا به پاری خدا تکلیف قطعی ملت مسلمان ایران روشن شده، از سرگردانی و بدبختی و اختلاف نجات یابند بنام خدای جهان و بنام اسلام و مسلمانان غیور و بنام انسان و انسانیت، والسلام علی من اتبع الهدی بیاری خدای توانا سید مجتبی نواب صفوی.

۱۹ خرداد ماه ۱۳۳۰ ه. ش

۵ رمضان ۱۳۷۰ ه. ق

توضیحاً در خاتمه مقال بیان میشود که در جایی که بنا بر دلائل و براهین ثابت مذکور حکومت منحرف غیرقانونی و لغو بوده و می باشد، قرار بازداشت و یا هر عمل دیگری که از ناحیه آن حکومت غیرقانونی انجام شود بطریق اولی لغو بوده و می باشد، و اعتراض به اصل پایه غلطی، اعتراض بضرع آنها طبعاً خواهد بود.

سید مجتبی نواب صفوی

۱۹ خردادماه ۱۳۳۰

۵ رمضان ۱۳۷۰

بنظر ریاست محترم دادسرا میرساند.

بازرس شعبه ۸

۳۰/۳/۱۹ [امضاء ناخوانا]

بنظر دادسرا رسید به دادگاه ارسال گردد.

۳۰/۳/۲۱ [امضاء ناخوانا]

<http://www.chebayadkard.com>

وزارت کشور
دهربانی کل کشور

شماره

برگ ترجمانی و صورت نوشت

شماره

دادخواه	دادخوانده	دادخواست	تاریخ	جزو بدان	برونده
			روز ۱۳۱۰۰۴		

بپاورد رضا گفته تا فرودان و تلفات آن نیست در عین حال بجزیم بر فساد آن اسرار از نیست شیخ خواجه سعید و هیچ عمل بدی در حق او
 نیستند اگر چهارم بودی از او نیز بپس از اهل نیست ۳۳ شماره عین این بود است غیره تا در کردار بدین باره اصلی تکلف و عقیده
 سابقین و حکمین بنیاد برادران غوغا میزند تا که انظار یک ملت مسکون در این است که در اقصای بخت بعد از هر رتبه و مکان
 هم از سینه کف میس تا وزارت و هر دو یک گشته زده اند از آن سبب مصیبت تمام تعصیب کن کند و فراموش کند خوب
 بیست و هر کس بجزم دور از ایران و همای ایران و اهر که بر اقصای است این امر باید دید هر چه فرموده و روشن می بیند که
 نیز این امر این برادران که امضای این افاضات است قطع بوی بگردد و در این امر که در این امر که در این امر که در این امر که
 را در آن که آنه از هر چه از آنجا بر می آید و به توجیه می دهد هر چه از آنجا می آید و به توجیه می دهد هر چه از آنجا می آید و به توجیه می دهد
 بدین پایه قرار و بخت است و در هر دو این است که در هر دو این است که در هر دو این است که در هر دو این است که در هر دو این است که
 بر سر برنده بسیار است شگفتی هر چه می آید که در این مکتب می آید و در این مکتب می آید و در این مکتب می آید و در این مکتب می آید و در این مکتب می آید
 با در میان ما عین اندوگان خود را به پیش رویش رسانید اندوگان با و عطا و اعلی و در روز و چه می آید و بخت و در روز و چه می آید
 است و صبح باور فرزند خود را اصلاح نمود پس هم عهدی در میان در روزها بعد از آنکه از او با با یکبار عهدی در روزها بعد از آنکه
 نهایت خود نشود بخت اندوخته که در ایران عهدی بخت و در روزها بعد از آنکه از او با با یکبار عهدی در روزها بعد از آنکه
 بر دست او هیچ حرفه بسیار مانده اند هر چه در دست او نمود و نفس با جوانی و طبع را در دست او نهادند از آنکه از آنکه از آنکه
 نام شرکت با با که گوید یا تو گوید و به با او نماند تا که انظار عهدی در میان در روزها بعد از آنکه از او با با یکبار عهدی در روزها بعد از آنکه
 بدین وضع از چهارم را می نموده آید و ما بگویم و شکایت نفس با جوانی عمل هم با رعایت و استند که در غلط است زیرا در شکایت او

شماره ۱۹
۱۳۱۰

رای جلسه خارج از نوبت شعبه ۹ دادگاه استان ۱ و ۲*

شیر و خورشید

وزارت دادگستری

بتاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۳۰ - جلسه اداری خارج از نوبت شعبه ۹ دادگاه استان ۱ و ۲ مرکب از اشخاص نامبرده زیر:

آقای رضا شریف مستشار - آقای ناصر طباطبائی مستشار با حضور آقای رضا خلیلی دادیار دادرسی استان ۱ و ۲ تشکیل گردید. پس از استماع گزارش شفاهی آقای رضا شریف و خواندن برگهای پرونده کلامه شماره ۲۷۶/۲۱۴۹/۳۰ و کسب عقیده آقای دادیار که: با انکار متهمین به همدستی و کمک با فرقه فدائیان اسلام دلیلی که موجب تعقیب باشد بنظر نمی رسد، استواری نظریه دادیار مبتنی بر منع تعقیب و فسخ قرار باز پرسى مورد تقاضا است.

امضاء (رضا خلیلی)

دادگاه پس از مشاوره بشرح صفحه علیحده رای می دهد.

امضاء (ناصر طباطبائی) امضاء (رضا شریف)

<http://www.chebayadkard.com>

۵ صفحات ۱۱۴۰ تا ۱۱۴۲، یا ۶۳۷ تا ۶۳۹ پرونده.

مرجع رسیدگی - شعبه ۹ دادگاه استان ۱ و ۲.

هیئت دادگاه - آقای رضا شریف مستشار - آقای ناصر طباطبائی مستشار.

موضوع رسیدگی - حل اختلاف عقیده مابین آقایان باز پرس و دادیار دادرسی

شهرستان تهران.

تاریخ رسیدگی - ۱۹ خرداد ماه ۱۳۳۰.

گزارش کار - خلیل طهماسبیان فرزند ابراهیم ۲۷ ساله باتهام قتل سپهبد رزم آرا

نخست وزیر ایران و ایراد جرح با چاقو به فریدون محمدی پاسبان، و قاچاق اسلحه و

همچنین سید محمد واحدی فرزند سید رضا ۱۷ ساله، و ابوالقاسم رفیعی فرزند علی اکبر

۳۵ ساله، و سید عبدالحسین واحدی فرزند سید محمدرضا ۲۱ ساله، و سید هاشم حسینی

فرزند سید جواد ۳۵ ساله، و حسین اکبری فرزند رضا ۴۰ ساله، و رضا قدوسی فرزند علی

اکبر ۲۹ ساله، و علی انحرار فرزند حاجی محمد اسماعیلی ۲۸ ساله، و فضل الله اسماعیلی

فرزند غلامحسین ۲۴ ساله، و محمد قادری فرزند جعفر ۵۵ ساله، و امیر عبدالله

کرباسچیان فرزند محمد باقر، هریک بشرح محتویات پرونده باتهام معاونت با خلیل

طهماسبیان در قتل نخست وزیر، و اجتماع و مواضعه بقصد قتل نفوس، و تحریص مردم به

قتل نفس مورد تعقیب کیفری واقع شده اند.

پس از بازجویی از متهمین در اداره آگاهی و تنظیم پرونده و ارسال آن به

دادسرای شهرستان تهران، و ارجاع به شعبه اول بازپرسی، و انجام شدن بازجویی هائی

آقای باز پرس بشرح دلایل مذکوره در دو فقره قرار خود، متهمین نامبرده را بزهکار، و

خلیل طهماسبیان را طبق ماده ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون کیفر عمومی، و ماده ۴۴۳ قانون

مرتکبین قاچاق، و سید محمد واحدی را طبق مواد ۱۶۸ و ۱۷۰ و ۲۸ قانون مجازات

عمومی، رعایت ماده ۳۶ همان قانون، و ابوالقاسم رفیعی را طبق مواد ۱۷۰ و ۲۷ و ۱۶۸

قانون کیفر عمومی، و سید عبدالحسین واحدی را طبق مواد ۷۹ و ۱۶۸ قانون کیفر عمومی

و امیر عبدالله کرباسیچیان را طبق ماده ۷۹ قانون مرقوم، و سائر متهمین را طبق ماده ۱۶۸ قانون کیفر عمومی قابل تعقیب در دادگاه دانسته، آقای دادیار با قرار باز پرس نسبت به اتهامات خلیل طهماسبیان موافقت نموده، ولی نسبت به سائر متهمین بشرح دلائلی که در نظریه خود ذکر نموده یا قرار باز پرس مخالفت کرده، و آنان را قابل تعقیب تشخیص نداده.

در اثر کسالت باز پرس شعبه اول، از طرف آقای دادستان پرونده برای اظهار عقیده ثانوی به باز پرس شعبه ۸ باز پرس ارجاع گردیده. آقای باز پرس شعبه مزبور، به دلائلی که در قرار خود استناد نموده، قرار باز پرس شعبه اول، و قابل تعقیب بودن متهمین را تأیید نموده، بالنتیجه با بقاء باز پرس بعقیده، و تحقق اختلاف عقیده، پرونده برای حل آن به دادگاههای استان ۱ و ۲ ارسال و به شعبه ۱۹ ارجاع گردیده.

شعبه مزبوره مرکب از دادرسان فوق الذکر در جلسه اداری خارج از توبت با حضور آقای رضا خلیلی دادیار دادرسی استان ۱ و ۲ تشکیل گردید. پس از استماع گزارش شفاهی آقای رضا شریف، و قرائت محتویات پرونده، و کسب عقیده آقای دادیار که بالنتیجه بر گسیختن قرار باز پرس، و تأیید نظریه دادیار دادرسی شهرستان بود، مشاوره نموده چنین رای می دهد:

<http://www.chebayadkard.com>

رای دادگاه ... چون از مجموع محتویات پرونده و یازجوشی های آن با توجه به اوضاع و احوال قضیه، و مدافعات متهمین، همانطوری که آقای دادیار ضمن اظهار نظر خود استدلال نموده اند، دلائل و قرائن کافی بنظر نمی رسد که سید محمد واحدی و ابوالقاسم رفیعی خلیل طهماسبیان را بارتکاب قتل مرحوم رزم آراه تحریک و ترغیب نموده، یا تبانی در این خصوص با او نموده، یا وسائلی برای وی تهیه کرده باشند، و همچنین دلائل و قرائن کافی دیده نمی شود که برفرض وجود جمعیتی بنام فدائیان اسلام، و شرکت متهمین در متینگ جمعیت مزبور حقیقتاً متهمین نامبرده مواضعه برای ارتکاب جنحه یا جنایت بر ضد نفوس مردم یا جمعیت مزبور نموده، یا مردم را در اثر ایراد نطق و خطابه تحریک به ارتکاب جنحه و جنایت نموده باشند تا تعقیب کیفری متهمین که عبارتند از: [۱] سید محمد واحدی، و ابوالقاسم رفیعی، و سید عبدالحسین واحدی، و سید هاشم حسینی، و حسین اکبری، و رضا قدوسی، و علی احرار، و فضل [الله] امبعلی، و حسن باباعلی، و محمد قادری، و امیرعبدالله کرباسیچیان را با اتهامات

منتسبه نمایندند. لذا با گسیختن قرارداد باز پرسی بالتیجه عقیده دادستان بر غیر قابل تعقیب بودن متهمین نامبرده استوار می شود.

امضاء (رضا شریف) امضاء (ناصر طباطبائی)

آقای شریانیلو اقدام فرمائید.

معاون دادسرا شعبه مرکز ۳۰/۳/۲۹

<http://www.chebayadkard.com>

نامهٔ رئیس ادارهٔ زندان به دادستان کل کشور

شیر و خورشید

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

پیوست یک برگ

فوری است

جناب آقای دادستان کل کشور

رونوشت نامه آقای سید مجتبی نواب صفوی زندانی شماره ۳۷۶۲۴ که اخیراً طبق قرار شماره (۱۲۰ - ۳۰/۳/۱۵) شعبه ۱ اداره آگاهی به اتهام شرکت در توطئه قتل رزم آراه بازداشت گردیده به پیوست ایفاد می گردد.

رئیس اداره زندان - سرهنگ امیر جلیلووند

۳۰/۳/۲۳ - ۲۹۲

رونوشت به انضمام رونوشت تقاضای نامبرده جهت استحضار آقای دادستان شهرستان تهران ایفاد می گردد.

رئیس اداره زندان - سرهنگ امیر جلیلووند

۳۰/۳/۲۳ - امضاء

<http://www.chebayadkard.com>

احضار وزیر کشور، دادستان کل کشور و دادستان تهران توسط مرحوم نواب صفوی

شیر و خورشید

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

رونوشت [نامه نواب صفوی] مورخه ۸ رمضان المبارک ۱۳۷۰ شماره

هوالمعزیز - آقای رئیس زندان - لازم است مجدداً به اطلاع وزیر کشور و دادستان کل کشور و دادستان تهران برسانند که هرچه زودتر بلکه در ظرف یک ساعت خود را در زندان بمن برسانند. و تاخیر نکنند که مشول خطر بزرگی نسبت به خانه مسلمانان یا ایران خواهند بود. بیاری خدای توانا.

سید مجتبی نواب صفوی

متن صورت مجلس چگونگی برخورد مرحوم نواب صفوی با قرار صادره در باره ده

نفر اعضاء «فدائیان اسلام»

صورت مجلس

ساعت ۱۱/۵ روز ۳۰/۳/۲۷ این جانب پشت مشهد کارمند شعبه ۱ جهت ابلاغ قرار صادره در باره ده نفر متهم فدائیان اسلام به زندان شماره ۲ رفته بوسیله مسئول بند ۲ (محل بازداشت زندانیان سیاسی مزبور) به آنها پیغام داده شد برای رؤیت قرار به دفتر زندان حاضر شوند ولی از حضور در دفتر زندان خودداری، علیهذا رونوشت قرار صادره برای دیدار نامبردگان به داخل بند شماره ۲ فرستاده شد. هنگامی که آقای امیر عبدالله کرباسچیان مشغول قرائت رونوشت قرار صادره بود آقای سید مجتبی نواب صفوی برگ رونوشت قرار را از مشاوریه اخذ و پاره نموده اظهار داشت این قانونی نیست، این ظلم است.

مجدداً این جانب به آقای نواب صفوی مراجعه، اظهارداشتند رفقای من حاضر به دیدار و قرار نبوده و من شخصاً رونوشت قرار صادره را پاره کرده‌ام. فلذا چون ابلاغ قرار صادره به نامبردگان مقدور نبود مراتب با حضور امضاء کنندگان زیر صورت مجلس گردید. ضمناً نامبردگان از ادای بازجویی نیز خودداری می کنند.

مدیر سروان ابراهیمی زندان شماره ۲ امضاء ابراهیمی

۳۰/۳/۲۷

پشت مشهد کارمند شعبه ۱ امضاء ۳۰/۳/۲۷

پاسیان ۲ بابائیان امضاء

<http://www.chebayadkard.com>

سر پاسیان ۱ ناصری امضاء

گزارش رئیس اداره آگاهی به شعبه ۸ بازپرسی دادسرای تهران

شیر و خورشید

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

قسمت

شعبه ۸ بازپرسی دادسرای تهران

اداره آگاهی

دائرة

<http://www.chebayadkard.com>

بتاریخ ۳۰/۴/۲۷

شماره ۵/۶۴۵۹

پیوست پرونده ۹۶ برگ

موضوع

عطف بنامه شماره ۸۳۹ - ۳۰/۳/۱۱ با اعاده عین پرونده محتوی ۹۵ برگ اشعار می‌دارد؛ طبق گزارش شعبه مربوطه و بطوریکه کاملاً از جریان امر مستحضر می‌باشند سوابق سید مجتبی نواب صفوی بقراریست که در پرونده متشکله بر علیه خلیل طهماسبی مندرج است، نامبرده در قتل مرحوم کسروی تبریزی و حداد منشی او در دادسرای تهران و مرحوم هژیر و مرحوم رزم‌آراء دخالت تام داشته محرک اصلی بوده و ضمناً پرونده مبنی بر اقدامات بر علیه مصالح کشور بطور جداگانه در مازندران دارد، و برابر مدارک موجود در پرونده نامبرده رهبر فدائیان اسلام و کلیه اعلامیه‌ها بر علیه مقامات کشوری از ناحیه مشارالیه صادر با این حال نامبرده پس از دستگیری بطوریکه اوراق بازجویی حاکی است از دادن هرگونه توضیح به اینکه حکومت فعلی منحرف و غیرقانونی است خودداری نموده و بگفته‌های اولیه خود باقی و جدا از اظهار مطالب خودداری می‌نماید. لذا با این وصف مواجهه و ادامه تحقیقات غیرمقدور ولی بطوریکه فوقاً اشاره شد بتأیید مدارک موجود در پرونده نامبرده در قتل مرحوم رزم‌آراء محرک اصلی می‌باشد.

رئیس اداره آگاهی - بهرامی

ادعای نامه دادستان تهران درباره قتل سپهبد رزم آرا*

دیوان عالی جنائی تهران - استاد خلیل طهماسبیان فرزند ابراهیم ۲۷ ساله، مسلمان تابع ایران بدون عائله، اهل و ساکن تهران، خیابان نائب السلطنه، جنب کلانتری سوار سابق، منزل لطف الله، دارای سواد جزئی، شغل نجار فاقد پیشینه سوء کیفری بازداشت از تاریخ ۲۹/۱۲/۱۶ محکومیت بقتل عمدی مرحوم سپهبد رزم آرا نخست وزیر وقت و حمل اسلحه قاچاق و ایراد جرح با چاقو به پاسبان فریدون در حین انجام وظیفه که بشرح واقعه و دلایل اتهام خلاصتاً طبق محتویات پرونده و بازجویی های حاصله و مندرجات قرار باز پرس به شرح زیر است.

شرح واقعه: در تاریخ ۲۹/۱۲/۱۶ بعلت درگذشت مرحوم آیت الله فیض قمی مجلس ختمی از طرف دولت در مسجد سلطانی برگزار بوده و تصادفاً مرحوم رزم آرا قضیه حضور در مجلس ختم را فراموش کرده بوده و چنانچه این فراموشی مدت قلیلی هم ادامه پیدا میکرد بطور قطع در روز مزبور رزم آرا نخست وزیر در مسجد سلطانی ترور و کشته نمیشد و جناب آقای علم وزیر کار کابینه که تازه از اصفهان مراجعت کرده بودند به امید اینکه نخست وزیر در مجلس ختم حاضر خواهند شد برای ملاقات وی و همچنین با حضور در جلسه ختم به اتفاق جناب آقای هدایت به مسجد میروند.

چون آمدن نخست وزیر به تاخیر می افتد ایشان از مسجد بیرون آمده و به اداره نخست وزیری می روند و در آنجا مرحوم رزم آرا را ملاقات و در حین صحبت تذکر میدهد که در محل ختم مرحوم آیت الله فیض منتظر تشریف فرمائی مشارالیه می باشند.

نامبرده از این تذکر آقای علم پیاد مجلس ختم افتاد و فوراً بلند شده و باتفاق آقای علم به مسجد میروند و در ساعت ۱۱ و ربع مذکور در مقابل جلوتخان مسجد از اتومبیل پیاده می شوند و پس از پیمودن جلوتخان از دالان سمت غرب وارد صحن مسجد می گردد و پس از طی مقداری راه در منتهی الیه سکوب نمازگاه تابستانی خلیل

طهماسبیان متهم که باسبق تصمیم و قصد قبلی به منظور ترور و از بین بردن مرحوم رزم آرا قبلاً در آنجا کعبین کرده بود نیز سمت راست محوطه با اسلحه کمربند از پشت پاسبانها و جمعیت ناگهان حمله کرده و سر مرحوم رزم آرا را هدف قرار می دهد و همان گلوله و تیر اول مغز مشارالیه را متلاشی و مرگ آنی ایجاد میکند و ۲ تیر بعدی قدری پائین تر اصابت نموده و تیر چهارم بواسطه اینکه پوکه فشنگ سوم در دهنه مخزن گیر میکند مانع از انتقال گلوله چهارم به لوله مجاری سوزن شده و از شلیک تیر چهارم جلوگیری مینماید و در نتیجه متهم از اسلحه گرم خود بیش از این نمی تواند استفاده کند. صدای تیرها جمعیت و مأمورین محافظ نخست وزیر را متوجه میکنند و در صدد دستگیری قاتل برمی آیند.

قاتل پس از انجام جنایت خود در صدد فرار برمی آید تا بلکه بتواند خویش را از عواقب اعمال ناشایسته ارتكابی خلاصی بخشد و برای انجام این منظور از تمام امکانات متصوره استفاده کرده و چون از استفاده از اسلحه گرم خود بشرح بالا مأیوس می شود با کارد تیزی که همراه داشته به مأمورین حمله مینماید.

در نتیجه سر فریدون محمدی پاسبان را مجروح می نماید ولیکن با وجود این همه تشبث موفق به فرار نشده و در اثر جدیت مأمورین انتظامی دستگیر و گرفتار پنجه عدالت می گردد و مرحوم رزم آرا نیز فوراً بوسیله جیب به بیمارستان سینا حمل و در اثر معاینه که در آنجا بعمل می آید معلوم می شود که در همان لحظات اولی اصابت گلوله فوت نموده است.

<http://www.chebayadkard.com>

دلایل اتهام:

- ۱ - اقرار و اعترافات صریح و مفصل متهم در تمام مراحل بازجویی بشرح صفحات ۱۰۶، ۱۱۰ و ۳۸۱.
- ۲ - دستگیری خلیل طهماسبیان متهم، بلافاصله پس از ارتكاب جنایت با آلت قتاله استعمال شده بوسیله مأمورین انتظامی بشرح منعکس در پرونده.
- ۳ - بیانات و اظهارات عده [ای] از مأمورین که حاضر و ناظر جنایت بوده و در دستگیری متهم اقدام کرده اند با سامی اللهیار جلیلود - لطیف طاهونی - مصطفی پازوکی - سر پاسبان صدری - سر پاسبان فرخنده کلام، تیمسار سرتیپ دانشپور که مجموعاً حاکی از شرح جنایت و دستگیری متهم می باشد.

۴ - اسلحه (طپانچه) که از دست متهم در حال شلیک و استفاده از آن گرفته شده، در حالی که سه تیر از آن بطرف هدف و مقتول شلیک شده بوده، و اتر حیث اینکه هدف خیلی نزدیک بوده، هر سه تیر اصابت و پوکه فشنگ سوم در دهنه مخزن گیر نموده و مانع از انتقال گلوله چهارم به مجاری سوزن شده است، و در نتیجه شلیک بقیه تیرها از ناحیه متهم بسوی مقتول و مأمورین ممکن نگردیده و نامبرده را مجبور با استفاده از کاردی که همراه داشته نموده، و بوسیله آن مأمورین را مجروح کرده است، که عین اسلحه و کارد در اداره آگاهی موجود و عکس آنها ضمیمه پرونده است و گیر کردن پوکه در لوله کاملاً مشهود می باشد.

۵ - گزارش و تصدیق شماره ۴۶۹۲/۳۶۸ - ۲۹/۱۲/۲۱ اداره پزشکی قانونی که بموجب آن تصدیق که پیوست پرونده است، نقاط ورود و خروج، و کیفیت ضایعات حاصله از اصابت گلوله ها و علت مرگ که همان اصابت تیر اول و متلاشی شدن مغز مقتول که موجب حصول مرگ آنی گردیده بوده است بطور مشروح و دقیق بیان و توضیح داده شده است.

۶ - سایر قرائن و اظهارات قطعی موجود در پرونده کار و غیر موجه بودن معاذیر عنوان شده از ناحیه متهم.

نظر بجهات مذکوره و دلایل یاد شده بزهکاری خلیل متهم توضیف شده در بالا بگناهان انتسابی محرز و مسلم، و اعمالش از لحاظ قتل عمدی منطبق با ماده ۱۷۰ و از لحاظ ایراد جرح پیاسیان در حین انجام وظیفه منطبق با ماده ۱۶۶ از قانون مجازات عمومی، و از لحاظ حمل اسلحه قاچاق بدون داشتن پروانه منطبق با مادتهین ۴۳/ و ۴۵/ از قانون کیفر و مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ می باشد، که در حدود مواد استنادی با رعایت ماده ۲/ ملحقه بآئین دادرسی کیفری درخواست تعیین کیفر شایسته را می نماید، و ضمناً طبق ماده ۵/ قانون کیفر همگانی تقاضای تعیین تکلیف درباره آلات و ادوات جرم نیز می شود. تاریخ وقوع بزه ۲۹/۱۲/۱۶، و محل وقوع مسجد سلطانی تهران.

دادیار دادرسی تهران - رحیم شرایانلو

۳۰/۴/۱ امضاء

پرونده به دادرسی استان ۱ و ۲ ارسال گردد.

باز پرس شعبه ۸، امضاء

۳۰/۴/۱

<http://www.chebayadkard.com>

اظهارات و تصمیمات جلسه مشاوره اعضاء شعبه اول دادگاه عالی جنائی تهران
راجع به نقائص پرونده خلیل طهماسبی *

بتاریخ چهارم مهر - ۱۳۳۰ جلسه مقدماتی غیرعلنی شعبه اول دادگاه عالی
جنائی تهران، مرکب از آقایان زیر:

آقای اشرف احمدی رئیس

آقای باقر وکیلی مستشار

آقای محمد عظیمی مستشار

آقای غلامحسین فخر طباطبائی مستشار

آقای زین العابدین امیر ابراهیمی مستشار

تشکیل، نسبت به پرونده ۲/۴۳ - ۳۰ مربوط به اتهام خلیل فرزند ابراهیم
شهرت طهماسبیان ۲۶ ساله، نجار، ساکن تهران که قبلاً مورد مطالعه واقع شده بود
مشاوره بعمل آمد و به نظر رسید که قبل از تکمیل موارد ذیل آماده برای رسیدگی نیست.
الف - طبق حکایت پرونده کسانی که با نخست وزیر مقتول هنگام حرکت
فاصله زیادی نداشته، یا همراه او حرکت می کرده اند و درحقیقت برای العین ناظر وقوع
حادثه بوده اند عبارتند از:

<http://www.chebayadkard.com>

• صفحات ۱۱۸۵ تا ۱۱۸۷ پرونده.

سرگرد رافت، لطیف طاهونی، اللهیار جلیوند، مصطفی پازوکی، عبدالحسین رحیمی، فریدون محمدی، اسدالله فرخنده کلام، علی اصغر سلطانی، غلامحسین حیدری وغیره، با ملاحظه اوراق مربوطه معلوم گردید اظهارات اشخاص نامبرده با یکدیگر اختلاف دارد، هریک بنحوی موضوع دستگیر شدن متهم را بنحوی بیان نموده اند که برای نمونه چند مورد ذیلاً ذکر می شود.

۱ - فریدون محمدی پاسبان کارآموز گفته در حیاط مسجدشاه مشغول انجام وظیفه بودم، صدای تیر بطرف نخست وزیر بلند شد. این شخص تیرانداز، که این شخص (منظورش متهم است) باشد مشاهده، فوراً پشت گردن و بیضه او را گرفتم و نگذاشتم تکان بخورد، شخص قاتل با ته والترزد سمت چپ پیشانی بنده که خون جاری شد الخ.

۲ - مصطفی پازوکی گفته در سمت راست نخست وزیر بودم، صدای تیر بلند شد، برگشتم بطرف نخست وزیر، دیدم دست ضارب بطرف نخست وزیر است که تیر دوم خالی شد، من فوراً پریدم که دست ضارب را بگیرم تیر سوم خالی شد و نخست وزیر افتاد، و دست ضارب را گرفتم آوردم پائین، تیر چهارم در توی اسلحه گیر کرد، طاهونی و جلیوند با ضارب گلاویز شدند من اسلحه را از دستش درآوردم در جیب راست گذاشتم، در این بین یک نفر با چاقو زد که جیب مرا پاره کند و اسلحه را ببرد، من دست گذاشتم روی اسلحه، و با دست چپ خلیل را داشتم، یعنی دست او در دست من بود الخ.

<http://www.chebayadkard.com>

۳ - لطیف طاهونی گفته به فاصله یک قدم پشت سرنخست وزیر بودم، یک مرتبه صدای تیر بلند شد، برگشته شخصی را دیدم که اسلحه کوچکی در دست و بطرف رزم آراء شلیک می کند، بنده فوری با ضارب گلاویز، گردش را بین بازویم گرفتم، مصطفی پازوکی متوجه شده به فوریت اسلحه را از ضارب گرفت و جلیوند با بنده و ضارب را در بغل داشتم الخ که این اظهارات با یکدیگر اختلاف دارد.

و نیز اظهارات پاسبان حیدری در صفحه ۱۳ با اظهارات محمدی و اظهارات جلیوند در صفحه ۱۸ بازجویی با اظهارات دیگران و اظهارات سر پاسبان فرخنده کلام در صفحه ۳۶ با اظهارات محمدی و اظهارات سر پاسبان بیات در شهربانی (صفحه ۷-۱) با اظهارات سایر مأمورین و همچنین گزارش مورخ ۱۶-۱۲-۲۹ پاسبان عبدالحسین رحیمی و اظهارات جهانگیر پاسبان با اظهارات سایر مأمورین اختلاف دارد، و بطورکلی

اظهارات کسانی که از آنها بازجویی شده در موضوع دستگیری متهم و همچنین گرفتن اسلحه اختلاف دارد، و حتی بین اظهارات آنان در بازجویی شهربانی و بازپرسی تا حدی اختلاف مشهود است.

ب - در موضوع آلتی که وسیله آن جرح بر سر فریدون محمدی وارد شده اختلاف گوی شده است، بدین توضیح که فریدون نامبرده در یکی از جلسات بازجویی اظهار داشته یا ته والتر سمت چپ پیشانی بنده زد که خون جاری شد، و در جای دیگر گفته است با کارد بسر من زد، و بین این دو اظهار اختلاف مشهود است.

ج - نسبت به گرفتن اسلحه از دست متهم بین اظهارات مأمورین اختلاف مشهود است.

<http://www.chebayadkard.com>

د - متهم در بازجویی مورخ ۱۷-۱۲-۲۹ نزد بازپرس اظهار داشته است ۷ تیر فشنگ در اسلحه گذاردم و متوجه نشدم چند تیر شلیک کردم و چند [تیر] دیگر در مخزن اسلحه باقی مانده است از طرفی مصطفی بازوکی گفته اسلحه عبدالله (منظورش خلیل طهماسبیان است) گرفتم فشنگ گیر کرده بوده روپوش عقب بود و لوله جلو، که لازم بوده آقای بازپرس با حضور نماینده دادستان باقیمانده فشنگ‌ها را از اسلحه خارج تا معلوم شود چند تیر باقی مانده است.

ه - پوکه فشنگ موجود در پرونده با فشنگ‌های باقیمانده در اسلحه متهم تطبیق نشده است. علیهذا مقرر میشود دفتر پرونده خلیل طهماسبیان را وسیله دادرسی استان نزد بازپرس مربوطه اعاده دهد که با در نظر گرفتن موارد مذکوره فوق اولاً با احضار مجدد اشخاص نامبرده و تفهیم اظهارات آنان که با یکدیگر اختلاف دارد و مواجهه بین آنها موارد مذکوره در بند الف را روشن و معلوم نمایند و همچنین در موضوع بند ب آلتی را که وسیله آن جرح به محمدی وارد شده مشخص نمایند. زیرا با اظهاری که دیگران در موضوع بیرون آوردن کارد نموده که متهم در چه موقع مبادرت به کشیدن کارد کرده است روشن شدن این موضوع بی‌تأثیر نخواهد بود، بخصوص که متهم در صفحه ۳۷ بازپرسی گفته من کارد نداشتم و خود محمدی گاهی گفته با کارد وزمانی اظهار داشته یا ته والتر متهم ضربه به او وارد کرده که با این کیفیت تحقیقات بیشتری که موضوع را روشن نماید در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

بعلاوه در قسمت بند ج باید تحقیقات بیشتری انجام که منجزا معلوم شود چه کسی اول دفعه اسلحه را از دست متهم گرفته است، و نیز در موضوع بندهای د - و - ه